



# تحول در روابط ترکیه با عراق: تغییر تاکتیکی یا راهبردی

دکتر جعفر حق پناه\*

## اشاره:

ترکیه، در ادامه تحولات سیاست منطقه‌ای خود، در حوزه روابط با دولت عراق چرخش قابل توجهی در پیش گرفته است. پس از دوره پنج ساله تنش در موضوعات مختلف، آنکارا رویه‌ای مسالمت‌جویانه در قبال همسایه جنوبی خود در پیش گرفته که در نیمه دی ماه و در جریان سفر نخست‌وزیر این کشور به بغداد بروز و ظهور عملی یافت. در جریان این سفر اعلام شد که طرفین ضمن توافق در مورد موضوعات مورد اختلاف به‌ویژه مسئله حضور مداخله‌آمیز نظامیان ترک در اردوگاه بعشقیقه، در مورد گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی به توافقات مهمی دست یافته‌اند. اما آیا این تحول تاکتیکی است یا نشان از چرخش راهبردی ترکیه در قبال عراق دارد؟ تجزیه و تحلیل سوابق و رفتار ترکیه در سایه حوزه‌های مرتبط نشان از تاکتیکی‌بودن این تحولات دارد.

## مقدمه

تحولات پرشتاب خاورمیانه، قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه را وادار به واکنش‌های سریع، پیاپی و بعضاً متناقض در برابر این تحولات نموده است. هرچند از دیرباز ترکیه به عمل‌گرایی و انعطاف در سیاست خارجی اشتهار داشته است، با این حال شدت این حرکات سینوسی در سال‌ها و ماه‌های اخیر به اوج رسیده و پرسش‌های مهمی فراروی تحلیل‌گران و مقامات و ناظران قرار می‌دهد. سیاست خارجی مقامات حزب عدالت و توسعه در خصوص مسائل مرتبط به هم مانند جنگ با داعش در عراق و سوریه، مسئله کرد در عراق و سوریه و نوع مناسبات آنکارا با بغداد و اربیل از جمله مواردی هستند که پرسش‌های جدی در مورد تاکتیکی یا راهبردی‌بودن این سیاست‌ها و هماهنگی یا تناقض داشتن آنها با یکدیگر به ذهن متبادر می‌نمایند.

در تازه‌ترین چرخش و به دنبال گسترش همکاری‌ها و توافقات با ایران و روسیه در خصوص بحران سوریه، نخست‌وزیر ترکیه با سفر به عراق و در ادامه به حکومت اقلیم کردستان صفحه تازه‌ای در مناسبات کشورش با دولت حیدرآبادی در بغداد و مسعود بارزانی در اربیل گشود. در این سفر که در بجنوحه دوره جدید عملیات برای آزادسازی شهر موصل از چنگک تروریست‌های تکفیری و در نیمه دی ماه انجام شد، مسائل مهمی مورد بحث و توافق اولیه قرار گرفت که در صورت نهایی شدن، علاوه بر تأثیر در مناسبات دو جانبه، پیامدهای مهم منطقه‌ای نیز خواهند داشت. از این رو می‌بایست رویه جدید مناسبات ترکیه با عراق را در چارچوب سیاست کلان راهبرد منطقه‌ای ترکیه و اکاوی نمود تا جنبه‌های تاکتیکی و راهبردی در آن مشخص و از هم تمایز یابند.

## پیشینه چالش میان عراق و ترکیه

در تحلیل فراز و فرودهای مناسبات آنکارا-بغداد طی سال‌های اخیر می‌بایست کمی به عقب بازگشت و به عامل خروج نظامیان آمریکایی از عراق طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و خلاء قدرت حاصل از آن توجه نمود. خلاء قدرتی که زمینه حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای



رقیب و در نتیجه تداوم و افزایش بی‌ثباتی در این کشور را به همراه داشت. به‌زعم نخبگان و مقامات حزب عدالت و توسعه، برنده اصلی سقوط رژیم صدام حسین، جمهوری اسلامی ایران بوده که با تکیه بر نفوذ تاریخی خود به‌ویژه در میان گروه‌های شیعی، عراق را به حوزه نفوذ بلا‌تعارض خود تبدیل کرده است. طبعاً این روند به هیچ وجه مطلوب زمامداران کنونی ترکیه نخواهد بود. برای فهم دغدغه مقامات ترک و توضیح نگرش آنان به روندهای جاری در منطقه می‌توان به آراء احمد داووداوغلو، وزیر خارجه و نخست‌وزیر پیشین و نظریه‌پرداز سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ارجاع داد. داووداوغلو در کتاب «عمق راهبردی» به تفصیل شرح می‌دهد که سه ضلع مثلث بیرونی قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، همانا ایران، ترکیه و مصر هستند که به طور سنتی داعیه رهبری در منطقه دارند و به همین خاطر معمولاً در رقابت با یکدیگر جهت کسب این جایگاه هستند. داووداوغلو ضمن اشاره به سه ضلع مثلث درونی شامل لبنان، اردن و فلسطین به عنوان کشورهای نفوذپذیر در خاورمیانه، به نقش و جایگاه سه ضلع مثلث میانی شامل عراق، سوریه و عربستان هم اشاره می‌کند و می‌نویسد اگر یکی از اضلاع مثلث بیرونی در ائتلاف با قدرت‌هایی از مثلث میانی و درونی قرار بگیرد، در این صورت موازنه قدرت به نفع یکی و به زیان اوضاع دیگر مثلث بیرونی برهم خواهد خورد.

به نظر مقامات آنکارا، به دنبال خلاء پدیدآمده پس از خروج نیروهای آمریکایی و گسترش نفوذ ایران در عراق و اتصال حوزه قدرت افکنی ایران به حوزه شامات از طریق پیوند عراق با سوریه و لبنان، عملاً این موازنه قوای موجود در منطقه به سود ایران و به زیان ترکیه تغییر کرده و طبعاً می‌بایست با مداخله عراق و بعدتر در سوریه مانع از شکل‌گیری ترتیبات امنیتی ایران محور در این بخش از خاورمیانه گردید.

بنا به همین رویکرد، ترکیه از سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به بعد به تدریج سیاست مداخله‌گرایانه فعالی در عراق در پیش گرفت. پناه‌دادن به طارق الهاشمی، معاون سابق ریاست جمهوری و نخبه سنی مذهب تحت تعقیب دستگاه قضایی و دولت نوری مالکی، سازماندهی روحانیان و عشایر ناراضی اهل سنت استان‌های الانبار و نینوا، بسط نفوذ میان ترکمانان در کرکوک و موصل، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی و انعقاد قراردادهای نفتی بدون رضایت و مجوز بغداد با حکومت اقلیم کردستان و سفرهای بدون هماهنگی و مجوز مقامات ترکیه به اربیل از جمله مصادیق مداخله‌گرایی این کشور به شمار می‌آیند که ناراضی‌تندی شدید و تیرگی روابط با دولت مرکزی در بغداد را به همراه داشته‌اند. تنش در روابط این دو همسایه پس از سقوط موصل به دست تروریست‌های گروه داعش به اوج رسید. تعاملات و حمایت اقتصادی، لجستیکی، رسانه‌ای و اطلاعاتی ترکیه از داعش آشکارتر از آن بود که

از چشم مقامات بغداد و سایر ناظران تحولات منطقه‌ای پنهان بماند و یا با گروگان‌گیری صوری دیپلمات‌های کنسولگری ترکیه در موصل توسط داعش بتوان بر آن سرپوش نهاد. گسترش روابط آنکارا- اربیل و خرید نفت از حکومت اقلیم کردستان بدون مجوز و نظارت بغداد نیز بر شدت منازعه می‌افزود. رهبران آک پارتی در حمایت از اقلیم کردستان تا آنجا پیش رفتند که پس از تصرف شهرهای مورد اختلاف میان بغداد و اربیل (مانند کرکوک و خانقین) و افزایش تمایلات جدایی‌طلبی کردها، در تابستان ۱۳۹۳ به صورت غیررسمی و از زبان مدیران میانی ترکیه، احتمال حمایت این کشور از پیدایش دولت مستقل کردستان عراق نیز در رسانه‌ها مطرح گردید. اما این مداخله‌گرایی آن‌گاه شدت گرفت که یک گردان زرهی و شماری از نیروهای نظامی ترکیه با توجیه دعوت از سوی «ائیل النجفی»، استاندار وقت نینوا و به بهانه آموزش شبه نظامیان اهل سنت عراق موسوم به حشدالوطنی به منطقه عمومی موصل وارد شد و در اردوگاه «بعشقه» مستقر گردیدند. به دنبال آغاز عملیات آزادسازی موصل در مهرماه ۱۳۹۵، ترکیه خواهان آن بوده که این نیروها در کنار سایر قوای ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش مشارکت داشته باشند؛ امری که به شدت با اعتراض، مخالفت و حتی تهدید مقامات بغداد و سایر گروه‌های شیعی، برخی احزاب سیاسی کرد و حتی ترکمان مواجه بوده است. دامنه این مناقشه در سال ۲۰۱۶ از جنگ لفظی رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های تند مقامات دو دولت فراتر رفت و به ثبت شکایت رسمی عراق از ترکیه در سازمان ملل انجامید. با عنایت به این پیشینه چگونه می‌توان سیاست اخیر آنکارا و سفر ناگهانی نخست‌وزیر، بن علی ییلدیریم به بغداد و تلاش برای تنش‌زدایی میان دو کشور را توجیه نمود؟ آیا این تحول صرفاً روابط دوجانبه با عراق را در برمی‌گیرد یا می‌بایست آن را در قالب سیاست منطقه‌ای ترکیه تجزیه و تحلیل نمود؟ در ادامه به ملاحظاتی که ناظر بر توضیح تاکتیکی یا راهبردی بودن این چرخش هستند، پرداخته می‌شود.

## تحول سیاست ترکیه در قبال عراق

تحول سیاست ترکیه در قبال عراق کمابیش سریع بوده است و به لحاظ زمانی عمدتاً به مقطع پس از کودتای نافرجام تیر ماه ۱۳۹۵ مربوط می‌شود. کودتا و رویدادهای پس از آن مشکلات امنیتی مضاعفی برای دولت آقای اردوغان که مدتهاست در جنگ با پک‌ک و اخیراً تروریسم داعشی گرفتار و در تنگنای شدید قرار گرفته، افزوده است که مهار و مقابله با آنان تلاش ترکیه در سطح منطقه‌ای را گریزناپذیر می‌سازد. این در حالی است که سیاست‌های مداخله‌جویانه قبلی ترکیه در سوریه و عراق برای مهار عقبه پک‌ک در این دو کشور نه تنها نتیجه‌ای مطلوب در بر نداشته است بلکه در عمل موجبات تقویت پک‌ک در شمال عراق به‌ویژه شهر ایزدی‌نشین سنجار و نیز گروه‌های اقماری وابسته به آن مانند پی‌دی‌و پی‌گ<sup>۱</sup> و پی‌گ<sup>۲</sup> در سوریه را فراهم آورده‌اند. در این میان حمایت جدی و مؤثر قدرت‌های رقیب مانند سوریه و آمریکا که با اهداف متفاوت از کردهای مخالف ترکیه به‌ویژه در سوریه حمایت می‌کنند، بر دامنه مشکلات امنیتی و تشدید هزینه‌های گزاف انسانی و امنیتی این کشور در داخل و خارج افزوده‌اند و ناکامی مضاعفی در تحقق اهداف جاه‌طلبانه منطقه‌ای اردوغان رقم زده‌اند. این در حالی است که سیاست اقتدارگرایانه دولت حزب عدالت و توسعه با افراد و عناصر مرتبط با کودتا، دستگیری‌ها و پاکسازی‌های گسترده، برخورد با رسانه‌ها و فعالان مدنی هم با واکنش منفی دولت‌های غربی مواجه شد به گونه‌ای که پس از اعلام قطع مذاکرات برای الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا از سوی طرف اروپایی، مقامات این کشور با فاصله‌گیری بیشتر از غرب، سیاست همکاری با شرق را فعال‌تر از گذشته دنبال نموده‌اند.

برای خروج از این تنگناها، تیم سیاسی -

امنیتی اردوغان پس از کنار نهادن داوداوغلو، با اولویت حل مشکل خود در سوریه رویه‌ای را از ابتدای سال جاری در پیش گرفت که به تدریج در مورد مسائل با عراق نیز مبنای عمل قرار گرفت. در این چارچوب به جای چاره‌جویی از طریق سازمان‌های بین‌المللی و یا تلاش در راستای جلب همکاری و همراه شدن با دولت‌های غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا و دولت‌های عربی مانند عربستان سعودی و قطر، همکاری با دو دولت اصلی صاحب نفوذ برای حل مسائل سوریه و عراق یعنی روسیه و ایران ارجحیت و اولویت یافت. جالب اینکه در ماجرای کودتای نافرجام تیر ماه ۱۳۹۵ علیه اردوغان، به خلاف دوستان و متحدان سنتی ترکیه، جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراتیو روسیه همدلانه‌ترین مواضع را با دولت آک‌پارتی از طریق اعلام حمایت از اردوغان و محکومیت سریع، قاطع و کامل کودتا ابراز داشته بودند. به این ترتیب موضع‌گیری‌های تند مقامات و رسانه‌های ترک علیه روسیه و ایران و نیز پرونده سرنگونی جنگنده روس به سرعت بایگانی شدند و جای آن را سفرهای پی‌پی مقامات و ملاقات‌های مقامات سیاسی امنیتی سه کشور گرفت که آخرین آن اجلاس وزیران خارجه و دفاع سه دولت در مسکو در آذرماه ۱۳۹۵ و توافق آنکارا با تهران و مسکو برای برونرفت از بحران سوریه در قالب پذیرش ساختار سیاسی مستقر بود. توافق و تأکید مقامات سه دولت مبنی بر لزوم حفظ یکپارچگی و مخالفت با تجزیه سوریه به معنای در نظر گرفته شدن دغدغه امنیتی خدمات آنکارا از ناحیه تحرکات رو به رشد کردهای سوریه در کانتون‌های سه گانه «جزیره»، «کوبانی» و «عفرین» در مجاورت مرزهای مناطق کردنشین ترکیه با سوریه بود. متقابلاً و در عمل، در طول مدت آغاز عملیات سپر فرات از مرداد ماه ۱۳۹۵ تاکنون روسیه مخالفت مؤثری با عملیات نظامی گسترده ترکیه علیه گروه‌های اقماری وابسته به پک‌ک در شمال سوریه و در شهرهای «جرابلس» و «الباب» ابراز نداشته است.

در عراق نیز روندی مشابه، البته با موضوعیت تعامل بیشتر با ایران در جریان بوده است. رهبران ترکیه که حتی پس از آغاز عملیات موصل بر لزوم مشارکت مداخله‌جویانه نیروهای مستقر در پایگاه بعشیقہ اصرار می‌ورزیدند، پس از مشاهده بی‌میلی آمریکا، مقاومت دولت حیدر العبادی و ناتوانی عوامل و گروه‌های محلی وابسته به خود، از این ادعا دست کشیدند. طرف عراقی هم که پس از موفقیت‌های تابستان در جنگ با داعش در استان الانبار و دریافت حمایت‌های بیشتر از ائتلاف بین‌المللی ضد تروریسم و در پرتو هماهنگ‌سازی نیروهای شیعی و حشد الشعبی، نیروهای اهل سنت و حشد الوطنی و پیشمرگه‌های کرد از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار بود، توانست از موضعی تقویت‌شده‌تر با آنکارا به مذاکره پردازد.



نخست وزیر ترکیه و بارزانی در جریان دیدار دی ماه بن علی ییلدیریم و هیئت بزرگ سیاسی - امنیتی و اقتصادی همراه از اربیل نشان می دهد، ترکیه همانند گذشته مناسبات خود با عراق را بر مبنای پیوند راهبردی با اقلیم کردستان و استفاده از آن برای دفع تهدید پک کک و گروه های هم سود، موازنه سازی با بغداد و نیز اعمال نفوذ بر کردستان سوریه قرار داده و تغییری در این روند نیز مشاهده نمی شود.

در عین حال می بایست به یک متغیر شگفتی ساز یعنی آغاز به کار دونالد ترامپ در مقام ریاست جمهوری آمریکا نیز توجه داشت که با توجه به ابهام در مورد سیاست خاورمیانه ای دولت جدید در آمریکا، نوعی عدم قطعیت برای امنیت کنش گران در منطقه ایجاد کرده و آنان را در وضعیت خوف و رجا نگه می دارد. البته در همین رابطه می توان این نکته را یادآور شد که تیم سیاسی - امنیتی رئیس جمهور جدید ایالات متحده، انگیزه و تمایل بیشتری برای حضور مؤثر در مدیریت بحران های خاورمیانه ای، به عنوان یکی از مناطق اولویت دار سیاست خارجی این کشور، از طریق همکاری و مشارکت یا متحدان از جمله ترکیه دارد. بر همین اساس مقامات آنکارا می کوشند با احراز موقعیت کنش گری مؤثر در عراق و سوریه و مبارزه با داعش و حفظ جایگاه اتحاد و شراکت راهبردی با آمریکا، اختلافات ایجاد شده میان آنکارا - واشنگتن در دوران اوباما را کمتر نمایند و ضمناً راهی برای کاهش دغدغه های امنیتی اصلی خود یعنی مسئله کرد - که در این خصوص اختلاف نظر جدی با دولت ترامپ دارند - جستجو کنند. در این شرایط همکاری ترکیه با دولت های ایران و روسیه برای حل مشکلات عراق و سوریه همچنان موردی، شکننده و ناپایدار خواهد بود.



اعلام تمایل مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و اینزنی ها برای میانجی گری میان بغداد و آنکارا که با درخواست اولی و استقبال دومی مواجه گردید راه را بر تبادل هیئت ها و تعیین دستور کار مذاکرات مقامات عالی رتبه میان این دو دولت گشود. سرانجام پس از سفر دی ماه بن علی ییلدیریم به بغداد و ملاقات های وی با مقامات عراقی، توافقات اولیه در مورد مهمترین موضوع مورد اختلاف یعنی حضور نیروهای نظامی مستقر در اردوگاه بعشیه به دست آمد. بنابراین هر چند شماری از این نیروها تا پایان عملیات آزادسازی موصل در نواحی شمالی استان نینوا باقی خواهند ماند، اما از تعداد آنها کاسته شده و این نیروها به زودی اردوگاه بعشیه را ترک خواهند کرد. تشکیل شورای راهبردی روابط میان ترکیه و عراق دستاورد دیگر این سفر بود.

صرف نظر از سفر بن علی ییلدیریم به بغداد، طی ماه های اخیر مقامات آنکارا در خلال میزبانی شخصیت ها و نخبگان عراقی از کردها و شیعیان گرفته تا ترکمانان و اهل سنت، تلاش کرده از طریق رایزنی و تعامل با همه گروه های سیاسی و طوایف قومی - مذهبی عراقی، نقش خود را در عراق پسدادعش تثبیت نماید که در این میان سفرها و مذاکرات آقای عمار حکیم رئیس مجلس اعلی و مسئول فراکسیون ائتلاف ملی عراق و آقای نیچروان بارزانی، نخست وزیر حکومت اقلیم از برجستگی بیشتری برخوردار بوده اند.

### نتیجه گیری

محرک اصلی سیاست خاورمیانه ترکیه در شرایط کنونی خلاء ناشی از فقدان حضور مؤثر ایالات متحده آمریکا، وقوع انقلاب های موسوم به بهار عربی و به تبع آن ایجاد تغییر در ترتیبات امنیتی منطقه ای بوده که فضای مانوری برای سایر کنش گران به وجود آورد؛ فضایی که به زعم اغلب تحلیل گران، فعلاً برنده آن ایران بوده است. در واکنش به این تغییرات در محیط امنیت منطقه ای، ترکیه نیز چرخشی در سیاست خاورمیانه ای خود داشته و مانند دولت قطر از جایگاه میانه روی در محور تعادل به سمت طیف مقابله کننده با محور مقاومت و در جهت مهار ایران متمایل گردید. تمایل به مداخله گرایی به جای بی طرفی و استفاده از ابزار جنگ های نیابتی به جای میانجی گری از جمله مؤلفه های پایدار راهبرد کنونی ترکیه در خاورمیانه به شمار می آیند.

بنابراین، تحولات جاری در سیاست این کشور در سوریه و عراق و نزدیکی یا همسویی موردی با بغداد، دمشق، مسکو و تهران را عمدتاً می بایست امری تاکتیکی و ناشی از الزام و اجبار در مهار تهدیدات فوری به ویژه از ناحیه گسترش تروریسم داعش در داخل ترکیه و قدرت یابی روزافزون کردها در سوریه و داخل ترکیه دانست. همانگونه که سخنان

